

معیار انتخاب سطح تحصیلات همسر و مقایسه آن در دانشجویان دختر و پسر

مهرنوش فرودستان*، حمیدرضا عربی**، ابوالقاسم نوری**

طرح مسأله: سطح تحصیلات همسر به عنوان یکی از معیارهای انتخاب همسر مطرح می‌باشد. در این پژوهش اهمیت این معیار از نظر دانشجویان مورد ارزیابی قرار گرفته و سپس به تفاوت‌های جنسیتی در انتخاب سطح تحصیلات همسر پرداخته شده است.

روش: پژوهش از نوع پیمایشی و جامعه آماری آن کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه اصفهان در سال ۸۵-۱۳۸۴ می‌باشد. از این جامعه یک نمونه ۲۱۲ نفری شامل ۱۰۷ دختر و ۱۰۵ پسر، به صورت تصادفی ساده انتخاب شد. برای جمع آوری اطلاعات از دو پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد.

یافته‌ها: از نظر جوانان دانشجوی، سطح تحصیلات همسر بسیار اهمیت دارد و از جمله معیارهای انتخاب همسر می‌باشد ($p < 0/001$). همچنین در مورد معیار انتخاب سطح تحصیلات همسر بین دختران و پسران دانشجو تفاوت معنی دار وجود دارد ($p < 0/001$). دختران بیشترین تمایل را در انتخاب سطح تحصیلات بالاتر همسر و پسران کمترین تمایل را در انتخاب سطح تحصیلات بالاتر همسر، از خود نشان داده‌اند.

نتایج: بر اساس نتایج این پژوهش، این نگرش و تفکر قالبی در جامعه وجود دارد که باید سطح تحصیلات مرد بالاتر از همسرش باشد. همچنین آمارها بیانگر افزایش تعداد دانشجویان دختر ورودی دانشگاهها نسبت به دانشجویان پسر است. این روند می‌تواند افزایش سن مجرد در جوانان، خصوصاً دختران تحصیل کرده جامعه را موجب گردد. برخی راهبردها در جهت اصلاح نگرشها موجود پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: انتخاب همسر، دانشجویان پسر، دانشجویان دختر، سطح تحصیلات

تاریخ پذیرش: ۸۷/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت: ۸۶/۴/۱۲

* کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه اصفهان، <mehr_foroudastan@yahoo.com>

** دکتر روانشناس، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

مقدمه

در شناسنامه هر فرد چهار واقعه مهم زندگی یعنی، تولد، ازدواج، طلاق و مرگ ثبت می‌شود. انسانها در دو واقعه زندگی خود یعنی تولد و مرگ دخالتی ندارند اما ازدواج و طلاق را به اختیار خود انجام می‌دهند. ازدواج رابطه‌ای است که شخص با انتخاب، وارد آن می‌شود و تقریباً نیم قرن در این رابطه خواهد ماند. ژیرارد بیان می‌کند در بین تمامی مراسم، آداب و حوادث اساسی حیات آدمی، ازدواج از اهمیتی بسزا و ویژه برخوردار است (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۱۱).

در مورد تعریف ازدواج، کارلسون اظهار می‌دارد که ازدواج، فرآیندی است از کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن که به برخی شرایط قانونی تحقق بخشیده و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود بر پا داشته‌اند و عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته است (Karlson, 1963: 31). کلود لوی استروس در مورد تعریف ازدواج معتقد است که ازدواج برخوردی است دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت، یا میان قواعد اجتماعی و کشش جنسی. به بیان دیگر، جامعه می‌کوشد تا طبیعت (روابط غریزی) را مهار کرده و بر آن انگ فرهنگ زند (Levi-strauss: 35).

ازدواج بموقع نیز یکی از نیازهای مهم و اساسی نسل جوان است و تأخیر یا عدم امکان ازدواج، مشکلات فراوانی را برای خانواده و جامعه به وجود می‌آورد. خانواده ایرانی، طی سده اخیر در مقایسه با سده‌های گذشته تغییرات عمده یافته است. از عمده‌ترین تغییرات ایجاد شده در خانواده ایرانی، بالا رفتن سن ازدواج است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۷۲). گرچه در ابتدا ممکن است پنداشته شود که ازدواج پدیده‌ای صرفاً فردی است اما واقعیات اجتماعی نشان می‌دهد که ازدواج همواره متأثر از ساخت کلی جامعه بوده است و متناسب با دگرگونیهای اجتماعی، تغییراتی در همسرگزینی از لحاظ اجتماعی پدید آمده است (قلی‌زاده، ۱۳۷۶). زن و مردی که با هم ازدواج می‌کنند باید بتوانند خود را با نیم قرن تحولات، رشد و تغییرات یکدیگر تطبیق دهند. اگر از عهده این کار بر نیایند به احتمال زیاد رابطه زناشویی آنان دچار مشکل خواهد شد. از آنجا که اولین و مهمترین

مرحله در ازدواج، انتخاب همسر است باید به معیارهای انتخاب همسر توجه کرد (ثنایی، ۱۳۷۹). در گذشته ازدواجها بیشتر به صورت دگر انتخابی بوده است یعنی همین که فرد به سن بلوغ و ازدواج می‌رسید، والدین او بر اساس برخی مصالح و منافع خانوادگی، برای او دست به انتخاب همسر می‌زدند. اما در پی تغییراتی که در سطح جامعه روی داده است، نیازها و توقعات افراد نیز تغییر کرده و بنابراین روشهای گذشته دیگر جوابگوی جوانان نمی‌باشد. در ایران نقش والدین در گزینش همسر بیش از جوامع غربی به چشم می‌خورد، به طوری که هنوز می‌توان گفت خانواده‌های ایرانی، یکی از وظایف یا کارکردهای خود را گزینش همسر برای فرزندان خود می‌دانند. ولی، جوانان ایرانی به مرور در جریان همسرپایی فعال‌تر شده‌اند (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۱۲۰). با توجه به نکات فوق، این پژوهش به منظور بررسی معیار سطح تحصیلات همسر طراحی شده است و به دنبال یافتن پاسخ پرسشهای زیر بوده است:

- ۱- آیا سطح تحصیلات همسر یکی از معیارهای انتخاب همسر است؟
- ۲- آیا این معیار در دختران و پسران متفاوت است؟

سوابق پژوهش

به نوشته بارون و برن (Baron & Byrne, 2004: 283)، حتی قبل از اینکه گالتون با ابداع روش همبستگی (Galton, 1869) بررسی علمی همسان همسری را میسر سازد، اسپنوزا (Spinoza, 1675) نظریه همسان همسری را بیان کرده بود: مردم تمایل دارند کسانی را به عنوان همسر برگزینند که با آنها همسان باشند (Myers, 2005: 433). پژوهشها نشان داده‌اند که همسانی مثلا در تحصیلات به معنی تشابه در نگرشها، ارزشها و عقاید است (Actielli, Kenny & Weiner, 2001: 169). کسانی که در تحصیلات، هوش و دین مشابه‌اند، تمایل ویژه در روابط پایدار به خصوص ازدواج دارند (Berscheid & Reiss, 1998: 194).

ژیرارد بیان داشت که خاستگاه اجتماعی افراد، می‌تواند سطح و نوع تحصیلات و اشکال ادامه آن را مقید و مشروط سازد. در نتیجه، همگونی حرفه‌ای همسران مستلزم همتایی و تطابق سطح تحصیلات آنها است. در کشور فرانسه در ۶۶ درصد زناشویها، همسران تحصیلاتی همسان دارند و اگر اندازه تحصیلات نزدیک به هم و مشابه را نیز به حساب آوریم این نسبت تا ۸۸ درصد افزایش خواهد یافت (Girad, 1964: 44). برنت در تحقیق خود به نام تحرک اجتماعی و ازدواج مشاهده می‌کند که در ۷۱ درصد ازدواجها، نظام فکری و سطح تحصیلات زن و شوهر یکی بوده است (Berent, 1954: 50). استوارت ملاحظه کرده است که میان تحصیلات فرد و آنچه از همسر او انتظار می‌رود، نوعی تناسب منطقی وجود دارد (Stuart, 1962: 291). تحقیقات هامیلتون نشان داد که میان رضایت زناشویی و همسانی تحصیلات زوجین رابطه مستقیمی وجود دارد (Hamilton, 1992).

تحقیقات ترمان موافق با همسان همسری تحصیلی نمی‌باشد و به در این نتیجه رسید که هنگامی نیکبختی زن کامل تر خواهد شد که شوهر تقریباً پنج سال بیشتر از وی تحصیل کرده باشد (Terman, 1989). کارلسون نیز درباره ضرورت چنین همسانی از لحاظ فرهنگی، معتقد است میان همسانی سطح تحصیلات ظاهری زن و شوهر و رضایت زناشویی رابطه وجود ندارد (Karlsn, 1963).

مزلو در بررسی‌های خود در مورد عشق در افراد خود شکوفا، به این نتیجه رسید که در این افرادی همسان‌خواهی در صفات منشی از قبیل صداقت، صمیمیت، مهربانی و شهامت، قاعده است ولی در ویژگیهای خارجی و سطحی‌تر از قبیل تحصیلات و پایگاه طبقه‌ای و وضع ظاهری کمتر مورد توجه است. مردان خود شکوفا، آمادگی بیشتری دارند که مجذوب شایستگیها و ویژگیهای برتر همسرانشان شوند و کمتر در معرض تهدید این ویژگیها واقع می‌شوند (مزلو، ۱۳۷۶: ۲۵۹ و ۲۷۳). حسینی اظهار می‌دارد که بهتر آن است که تحصیلات زن و مرد در یک سطح و یک حوزه باشد؛ در این صورت تفاهم زناشویی بیشتر خواهد بود. بالا بودن تحصیلات مرد در فرهنگ ایرانی مشکلی را ایجاد نمی‌کند ولی چنانچه تحصیلات زن بالاتر از مرد باشد در پاره‌ای از موارد، مشکل ایجاد می‌کند (حسینی ۱۳۷۵).

تحصیلات همسر از دو جهت مهم است یکی به دلیل آنکه تحصیلات بالاتر، شغل بهتر و وضعیت اقتصادی بهتر را نوید می‌دهد و دیگر آنکه از توانمندی، هوش و فهم فرد نیز اطلاع می‌دهد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳).

همگونی زوجین از نظر تحصیلی در اکثر موارد به معنای همگونی طبقاتی نیز هست. تحصیلات معمولاً همچون شاخصی در نوع فرهنگ، اندیشه و جهان بینی انسانهاست. پس سختی تحصیلی به معنای تشابه دیدگاهها نیز هست. همسانی تحصیلی زوجین ایرانی در مقایسه با کشورهای غربی کمتر است و این خود نتیجه تمایز فاحش زن و مرد از نظر تحصیل است. در ایران مردان همواره با زنانی جوان تر و از نظر تحصیلی پایین تر ازدواج می‌کنند ولی زنان ازدواج با شوهری از نظر تحصیلی بالاتر را ترجیح می‌دهند که این تا حدودی نیز انعکاسی از نابرابری فرصتهای آموزشی در گذشته ایران زمین است (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

یکی از علتهای ضرورت تحقیق حاضر، بالا رفتن سن ازدواج در میان جوانان ایرانی است. در پاره‌ای از موارد سن ازدواج در بین جوانان به قدری بالا رفته که امید تشکیل خانواده را برای بسیاری از افراد کم کرده است. در حال حاضر اگر هر پسر یک دختر را برای همسری برگزیند (سن ازدواج دختران و پسران به ترتیب ۲۲ و ۲۵ سال)، بیش از ۱/۷۰۰/۰۰۰ دختر ازدواج نکرده در جامعه باقی خواهد ماند. پوشش تحصیلی برای زنان ۹۷/۴۷ درصد رسیده است و ورودی زنان به دانشگاه نیز تا ۶۵ درصد پذیرفته شدگان در کنکور افزایش پیدا کرده است (ستوده، ۱۳۸۶: ۲۰۸). برای نخستین بار در سال ۱۳۷۷ میزان ورودی دانشجویان زن با (۵۲ درصد) بر دانشجویان مرد پیشی گرفت و تا ۶۱/۴ درصد در سال ۱۳۸۰ رسید. در سال ۱۳۸۲ نیز بیش از ۵۹/۷ درصد از ثبت نام کنندگان آزمون سراسری را دختران با افزایش میزان ثبت نام ۲ درصد نسبت به سال گذشته تشکیل داده‌اند. این روند همچنان ادامه دارد و میزان شرکت و قبولی در کنکور سراسری و در دختران بیشتر از پسران است. با توجه به بالا بودن ضریب موفقیت دختران در آزمون سال ۱۳۷۹ به بعد، حجم کل دانشجویان دختر در دانشگاههای دولتی از پسران بیشتر شده است

و این روند همچنان تا سالهای تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۶ ادامه دارد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۸۰). عدم تناسب بین تعداد دختر و پسر در سنین ازدواج، مضيقه ازدواج^۱ نام گرفته است. مضيقه ازدواج در دختران ایرانی مجرد ناخواسته نام دارد. پیامدهای روانی - اجتماعی تجردهای ناخواسته عبارت‌اند از اختلالات خلقی، نیاز به تعلق، نیاز مالی، نیاز به استقلال، نیاز به داشتن فرزند، نیاز جنسی و ترس از تنهایی (پورا اعتماد و همکاران، ۱۳۸۵). طولانی شدن دوران آموزش و تحصیلات، بیکاری و مشکلات اقتصادی از جمله عوامل ساختی هستند که به تأخیر سن ازدواج جوانان انجامیده‌اند (بخارایی، ۱۳۸۶: ۳۷۶).

روش

پژوهش حاضر از نوع زمینه‌یابی یا پیمایش می‌باشد. جمعیت آماری مورد بررسی شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه اصفهان در سال ۸۵-۱۳۸۴ می‌باشد. با توجه به گزارش مرکز آمار دانشگاه اصفهان تعداد کل جامعه آماری ۱۳۱۸۳ نفر که شامل ۹۳۵۶ دختر و ۳۸۲۷ پسر می‌باشد. نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده انجام گرفت. با استفاده از فهرست کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل و با استفاده از جدول اعداد تصادفی ۲۱۲ نفر (۱۰۷ نفر دختر و ۱۰۵ نفر پسر) انتخاب گردیدند.

ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق ساخته است که با توجه به اهداف پژوهش در دو قسمت تهیه شده است. قسمت اول شامل پنج سؤال است که با مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی (۱ تا ۵) درجه‌بندی شده است. این سؤالا اهمیت تحصیلات همسر را از نظر دانشجویان مورد ارزیابی قرار می‌دهد. ضریب پایایی این پرسشنامه بر اساس آزمون آلفای کرونباخ ۰/۷۳ برآورد شد. قسمت دوم شامل دو سؤال است که نظر دانشجویان را در مورد انتخاب سطح تحصیلات همسر (به دو صورت پایین‌تر، بالاتر، هم سطح و نیز دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد) جویا می‌شود. به منظور بررسی اعتبار صوری و محتوایی، پرسشنامه، در اختیار چند تن از استادان روانشناس قرار داده شد و مورد تأیید قرار گرفت.

1-marriage squeeze

یافته‌ها

برای بررسی این که «آیا سطح تحصیلات همسر از معیارهای انتخاب همسر می‌باشد؟» از آزمون t تک نمونه استفاده شد. پرسشنامه شامل ۵ سؤال و مقیاس آن ۵ درجه‌ای لیکرتی است. در این آزمون ارزش مورد مقایسه یا نمره خط برش در پرسشنامه برابر ۱۵ می‌باشد. با توجه به این که نقطه وسط طیف (۳) برابر نگرش خنثی می‌باشد و نمره بالاتر از آن برای t تک نمونه به عنوان نگرش مثبت و پایین‌تر از آن به عنوان نگرش منفی می‌باشد نمره (۱۵) به عنوان مبنای مقایسه انتخاب گردید. نتایج تحلیل آزمون t تک نمونه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین اهمیت تحصیلات همسر و

نمره برش به تفکیک جنسیت

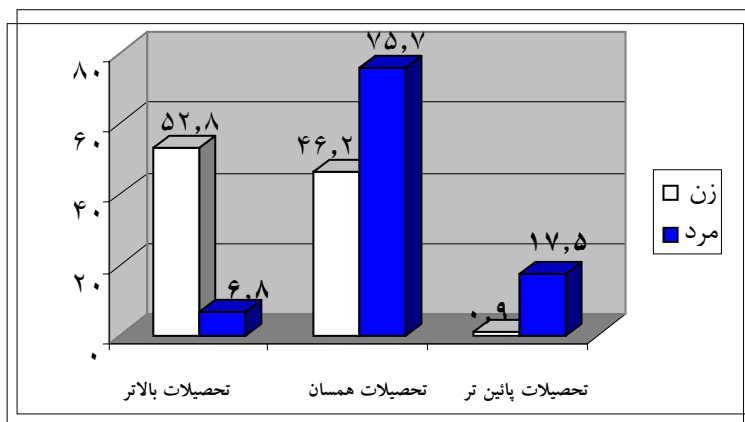
p	t	درجه آزادی	ارزش مورد مقایسه	خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین	شاخص‌ها / متغیر
۰/۰۰۱	۲۶/۹۳۷	۱۹۹	۱۵	۰/۲۲۴	۳/۱۷۴	۲۱/۰۳۴	اهمیت تحصیلات همسر کل (دختران و پسران)
۰/۰۰۱	۲۴/۶۱	۹۹	۱۵	۰/۲۹۸	۲/۹۸۹	۲۲/۳۳۵	اهمیت تحصیلات همسر در دختران
۰/۰۰۱	۱۴/۴	۹۹	۱۵	۰/۳۳۷	۳/۳۷۶	۱۹/۷۶۸	اهمیت تحصیلات همسر در پسران

جدول ۱ نشان می‌دهد که بین میانگین مشاهده شده اهمیت تحصیلات همسر و میانگین نظری پرسشنامه، هم در دختران و هم در پسران تفاوت معنی دار است. یعنی از نظر جوانان دانشجویان این پژوهش تحصیلات همسر از جمله معیارهای انتخاب همسر است. در بررسی این که «آیا انتخاب میزان سطح تحصیلات همسر در دختران و پسران متفاوت

است؟» به دلیل اینکه متغیرها، سطح تحصیلات و جنسیت بوده و داده‌ها اسمی می‌باشد از آزمون آماری مربع خی استفاده شد. برای اطمینان بیشتر، این سؤال به دو صورت مطرح شد. یک سؤال سطح تحصیلات را به صورت «بالتر، همسان، پایین تر» و دیگری به صورت «کارشناسی ارشد، کارشناسی، دیپلم» مطرح می‌کرد که در ادامه به تحلیل آنها پرداخته شده است. در جدول ۲ و نمودار ۱ توزیع فراوانی در دختران و پسران در انتخاب ۳ سطح تحصیلی همسر «بالتر، همسان، پایین تر» ارائه شده است.

جدول ۲- درصد فراوانی دختران و پسران در انتخاب سه مدرک تحصیلی همسر

پسران		دختران		گروهها
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۲۶	۲۵	۶۸	۶۴/۲	کارشناسی ارشد
۶۶	۶۳/۵	۳۶	۳۴	کارشناسی
۱۲	۱۱/۵	۲	۱/۸	دیپلم
۱۰۴	۱۰۰	۱۰۶	۱۰۰	کل



نمودار ۱- درصد فراوانی دختران و پسران در انتخاب سه سطح تحصیلی همسر

جدول ۳ نتایج آزمون مربع خی و نیز ضریب وی کرامر را در مورد سه سطح و سه مدرک تحصیلی نشان می‌دهد.

جدول ۳- نتایج تحلیل آزمون کای دو χ^2 و وی کرامر برای سه سطح و سه مدرک تحصیلی

مقدار p	وی کرامر	مقدار p	درجه آزادی	χ^2 کای دو	شاخصها / متغیر
۰/۰۰۱	۰/۵۳۵	۰/۰۰۱	۲	۵۹/۹۱۳	سطح تحصیلات
۰/۰۰۱	۰/۴۰۷	۰/۰۰۱	۲	۳۴/۷۱	مدرک تحصیلات

با توجه به جدول ۳، در سه سطح و سه نوع مدرک تحصیلات همسر، بین دختران و پسران تفاوت معنی داری وجود دارد. ضریب وی کرامر نیز نشان می‌دهد که بین متغیر جنسیت و متغیر سطح و مدرک تحصیلات همسر رابطه وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

معیار سطح تحصیلات همسر از نظر جوانان با اهمیت تلقی شده است. در حال حاضر به نظر می‌رسد که تحصیل در همه کشورها به عنوان معیاری در گزینش همسر مطرح باشد و گرایش انسانها به گزینش همسری مشابه از نظر تحصیلی بسیار مشهود است (ساروخانی، ۱۳۸۶). بارون و برن (۲۰۰۴)، مایرز (۲۰۰۵)، ژیراد (۱۹۶۴)، برنت (۱۹۵۴)، استوارت (۱۹۶۲) و هامیلتون (۱۹۹۲) با همسان همسری تحصیلی موافق بوده‌اند و تحقیقات آنان نشان می‌دهد که میان رضایت زناشویی و همسانی تحصیلات رابطه مستقیمی وجود دارد. اما تحقیقات کارلسون (۱۹۶۳) و ترمان (۱۹۸۹) نشان دادند میان همسانی سطح تحصیلات و رضایت زناشویی رابطه وجود ندارد.

در مورد انتخاب سطح تحصیلات همسر میان دختران و پسران تفاوت معنی دار وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که ۵۲/۸ درصد از دختران مایل‌اند که سطح تحصیلات همسر آنها بالاتر از سطح تحصیلات خودشان باشد، ولی تنها ۶/۸ درصد از پسران موافق سطح

تحصیلات بالاتر همسر بوده اند. در مورد انتخاب سطح تحصیلی همسان، آمار دختران ۶۶/۲ درصد بود در صورتی که این آمار در مورد پسران ۷۵/۷ درصد بود. همچنین در ارتباط با انتخاب سطح تحصیلات پایین تر همسر برای دختران تنها ۰/۹ درصد و برای پسران ۱۷/۵ درصد ذکر شده است. این نتایج نشان می دهد که دختران با سطح تحصیلات پایین تر همسر بسیار مخالف بوده اند و از ۱۰۷ نفر آزمودنی دختر، تنها یک نفر با آن موافق بوده است. همان گونه که داده های این پژوهش نشان می دهد بیشترین انتخاب دختران، تحصیلات بالاتر همسر و کمترین انتخاب پسران، تحصیلات بالاتر همسر می باشد. این یافته ها با نتایج پژوهش ترمان (۱۹۸۹) و حسینی (۱۳۷۵) و ساروخانی (۱۳۸۶) همخوانی دارد.

نتایج پژوهش حاضر ما را از تفکرات قالبی جامعه، در مورد معیار انتخاب سطح تحصیلات همسر آگاه می سازد. با فرهنگی مواجه هستیم که در آن دختران تحصیل کرده دانشگاهی به هنگام تشکیل زندگی، حاضر به ازدواج با پسرنی تحصیلات کمتر نیستند. با توجه به تعداد دختران و پسران تحصیل کرده پیشنهاد می شود که فرهنگ جامعه به خصوص نگرش جوانان در مورد سطح تحصیلات همسر تغییر یابد. در مورد تغییر نگرش دختران، این فرهنگ در جامعه نهادینه شود که تحصیلات بالاتر همسر نباید به خودی خود از پذیرش سایر معیارهای نیکو جلوگیری کند و به صورت مانعی برای ازدواج درآید. در مورد تغییر نگرش پسران می توان به تحقیقات مزلو بر روی افراد خود شکوفا اشاره کرد. مزلو در بررسی خود در مورد عشق در افراد خود شکوفا به این نتیجه رسید که همسان خواهی در مورد ویژگیهای خارجی و سطحی تر از قبیل تحصیلات و پایگاه طبقه ای و وضع ظاهری کمتر مورد توجه بوده است. مردان خود شکوفا آمادگی بیشتری دارند که مجذوب شایستگی ها و ویژگیهای برتر همسران شوند و کمتر در معرض تهدید این ویژگیها واقع می شوند. همچنین می توان با ایجاد سیاست های تشویقی در امر تحصیلات دانشگاهی برای پسران، امکان تحصیلات و رغبت پسران را برای کسب تحصیلات تکمیلی فراهم کرد تا همطرازی برای ازدواج با دختران فراهم شود. علاوه بر اینها می توان بر نقش مهم رسانه ها، مطبوعات و مشاوره پیش از ازدواج تأکید نمود.

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، تهران، انتشارات سمت.
- بخارایی، احمد. (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران*، تهران، انتشارات پژواک جامعه.
- پوراعتماد، حمیدرضا؛ سعادت‌مند، نیره؛ خرم‌آبادی، راضیه و بهادرنیا، الناز. (۱۳۸۵)، *بررسی شناختها، احساسها و واکنش‌ها در تجربه‌های ناخواسته*، مجموعه مقالات، دومین کنگره آسیب‌شناسی خانواده، تهران، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.
- ثنائی، باقر. (۱۳۷۹)، *مقیاس سنجش خانواده و ازدواج*، تهران، انتشارات بعثت.
- حسینی، سید مهدی. (۱۳۷۵)، *مشاوره آستانه ازدواج*، تهران، انتشارات آوای نور.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۶)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، انتشارات سروش.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۶)، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران، انتشارات آوای نور.
- قلی‌زاده، آذر. (۱۳۷۶)، *مبانی جامعه‌شناسی*، انتشارات محتشم.
- مزلو، آبراهام. (۱۳۶۷)، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، انتشارات آستان قدس رضوی.
- میرمحمد صادقی، مهدی. (۱۳۸۳)، *آموزش پیش از ازدواج*، تهران، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی.
- Acitell, L.K, Kenny , D.A , & Weiner , D.(2001). *The importance of similarity and understanding of partener marital ideals to relationship satisfaction*. Personal Relationships , 8,167-185.
- Baron,R,A, Byrne , D.(2004), *Social psychology , Thenth edition*. Pearson Education , Inc , Boston.
- Berent, J. (1954), *Social mobility and marriage*, London, Routledge and kejan.
- Berscheid, E& Reiss,H.(1998), *Attraction and close relationships*. Newyork: MCGRawHill.
- Galton , F(1869). *Hereditary genius: An inquiry into its laws and consequences*. (reprint: 1952): New york: Horizon.
- Girard, A. (1964), *Le choix du conjoint, une enquete psycho – sociologique en France, paris*, P.U.F.

- Hamilton, G. V. (1992), *A research in marriage*, New York, prentice Hall.
- Karlson, G. (1963), *Adaptability and communication in marriage*, Totowa, Bedminstey press.
- Levi-strauss, c.(1949) , les structures elementaries de la parente. Paris, p.u.f.
- Myers , D.G.(2005). *Social psychology* McGraw- Hill,8th edition.
- Spinoza, B,(1675).*The ethics* (reprint: 1951) New yourk: Dover.
- Stuart, L. R. (1962), *Complementary homogeneous needs in mate selection , a celevision program situation*, Journal of social psychology.
- Terman, L. W. (1989), *Psychological factors in marital happiness*, New York, MacGrow Hill.